

همین قدر زبان ولهجه مختلف و حدود دارد چناندا که جمعیت آن يك سیزدهم جمعیت هندوستان میباشد به ۱۷۸ زبان مختلف تکلم میکنند در صورتی که از ۳۴۰۰۰۰۰ نفوس هندوستان ۲۰۰۰۰۰۰ آنها زبان هندوستانی بکار میبرند . در طی قرون متدیدی در هندوستان وحدتی حکمرما بوده است بسی عمیقتر و مستحکم تر از وحدت زبان و حکومت یعنی همان وحدتگری و اخلاقی که در قسمتی از قرون وسطی تمام اروپا را يك مملکت واحدی مبدل نموده بود ولی بواسطه طلوع ملیت عصر جدید اساس آن متزلزل گردید و وحدت و استعگام سیاسی هندوستان هم فقط در صورت خود مختاری امکان پذیر تواند بود

می گویند که انگلستان قانون انتظام و امنیت به هندوستان داده است مقصود از این ادعا چیست ؟ باید حقیقت مطلب را دانست بریطانیا ایالات هندوستان را بوسیله قتل و غارت و آدم کشی که در قاموس نظامی بفتح و غلبه تعبیر میشود یکی بعد از دیگری متصرف شده با صد و پانزده فقره جنگ اساس انسانیت هندوستان را متزلزل کرده و هر يك از افراد هندی را که بهملیات جابراه و ستمکارانه وی اعتراض نموده و خاطر نشان کرده اند که قتل و غارت و آدم کشی را نمی توان قانون و انتظام و امنیت نامید یا بحبس انداخته یا اعدام کرده است قشون هندوستان را مجبور کرده که برای هر منظور جنگ و فداکاری کند جز برای استقلال وطن و حریت و آزادی مسکونی ایناه و وطنش هندوستان را بیک بیابان لم یزرع و غیر مبدل کرده و می گوید امنیت در آنجا حکمرما است هیچ امریکائی واقعی و بصیری را پیدا نمیکنیم که بی انتظامی و هرج و مرج را باین « امنیت » ترجیح ندهد در هندوستان گشمنش و زود خورد بن هند و مسامین همیشه در جریان است ولی اینگونه اختلافات و کشت و کشتار ها فقط در هندوستان انگلیس وجود دارد و خیلی مابه تعبیر و تعجب است که در ایالات مستقل اتری از این زود خورد و جنگ و ستمها پدیدار نیست . گمانی یعنی همان آدم و هربان و تعجب می گوید .

« در هر يك از این زود خورد های دینی ما عاملین و گماشتگان دولت را مشاهده میکنیم که در پی پرده با فروختن آتش ستیز و خونریزی اشتغال

دارند ، این موضوع اگر صحت داشته باشد برای من مولم و دردناک میباشد نه مایه تعجب و تعیر ، رانزی ماگدونالد مینویسد : « اینک سوء ظنی حاصل شده و تصور میرود که از طرف حکومت برای توسعه این اختلافات و نفاقها اعمال نفوذ میشود ، بعضی از صاحبانصبا و روساء بریطانیائی پیوسته بتحریرک و اغواء پیشوایان میپردازند و نقشه اختلاف و کشت و کشتار مابین هند و مسلم طرح ریزی میکنند ،

لورد اولیور که در کابینه اول ماگدونالد وزیر هندوستان بود در همان موقع چنین گفت

(هر کس که با اوضاع جاریه سرزمین هندوستان مطلع باشد نمیتواند انگار نماید که رویهرفته در دواتر و میان روساء بریطانیا حس تمایلی نسبت بجامعه مسلمین وجود دارد : شاید این حس تا اندازه ای در اثر همسرداری باشد ولی آنچه که یقین پیوسته این است که بریطانیا میخواهد بوسیله این اظهارات فریبنده فقط با اساس علیت و وحدت جامعه هندوستان ضربه ای واردتوده این مرموز اینک بر همه کس مگشوف شده که انتقال پایتخت از کلکتهدلهلی برای جلب قلوب مسلمین و بالتبجه آنها را بر علیه هموطنان هندی خود بتحریرک گردن بود قانون انتخابات عمومی که بموجب آن بیروان مذاهب و ادیان مختلفه باید بگنفر و از میان خود بسمت نمایندگان در مجلس مقننه انتخاب کنند اساس این نفاق را مستحکمتر میکند . پیشنهادات مندرجه در راپورت سیمون دامنه این نفاق را وسیعتر مینماید ولی ظاهراً بریطانیا را برای ایجاد وحدت در هندوستان حمد و سپاسی میگوید ؟

رویهرفته شاید کسانی بگویند که تعمیم قوانین بریطانیا در هندوستان بیش از آنکه مورت زیان و خسران باشد سبب پیشرفت آن کشور بوده است . قضات انگلیس خواه در داخله انگلستان و خواه در خارج در همه حال برای معانت اخلاقی میباشد ، رعایت شدن اصول مساوت بین تمام فرق و طبقات معنا هندوستان را بطرف توسعه فکر مبرد . اما باید دید که این قوانین جدیده بواسطه ابهام و ناچوری و برای اینکه از عناصر مختلفی تشکیل شده است در موقع عمل باعث زحمت و اشکال میگردد مجامع قضات و دهات که سابقاً بر وفق وقت امور پرداخته و دادرسی مینمودند امروزه جای خود را

بهیئت قضاة اداری داده و باین جهت امور باطلوه و گندی فیصل مییابد .
(غالباً امور کشوری و مسائل اجتماعی تا پنج سال هم در محاکم مطرح و
بالاخره مبهم و نامعلوم میماند) حقیقت اینست اصول جدیده پیش از این که
بحال جامعه مهید باشد بحال خود مفتنین و قضاة مهید بوده است درمواردی
که طرفین دعوا هر دو هندی یا هر دو اروپائی باشند ممکن است عدالت مجرا گردد
ولی موقیقه که یکطرف قضیه انگلیسی و طرف دیگر هندی عطفوت و اغماض
بحق و عدالت میچربد ، (البته در این موارد عطفوت و اغماض شامل اروپائی
ها خواهد بود) « اگر بکنفر از افراد اروپائی نسبت بهندیها مرگب جنایتی
تود همیشه وبدون استثناء کوچکترین و سبکترین مجازاتها شامل او میشود .
اغلب بقدری اعمال نظر میشود و بطوری جنایات اروپائیان را ماست مالی میکنند
که بجایه محسوس تده و تولید شورش و باوائی میگرد . « بکنفر انگلیسی
نوکر هندی خود را بواسطه اعمال وقصور قابل عیوی که هر نوکر طبیعتاً
دچار میکرد مقتول میسارد و مجازات او شش ماه حبس و پرداخت ۶۷ دویار
جریمه است | بکنفر هندی بانها « سوء قصد » نسبت بیک زن انگلیسی به
بیست سال حبس محکوم میگردد | ولی در همان موقع و در همان شهر بکنفر
انگلیسی دختر هندوئی را بزور برده و بناموس او دستدرازی میکند آزاد است
و هیچ قانونی اودا مشمول این عمل زشت قرار نمیدهد | سرهنری کانون که
مدتهای دراز از طرف دولت بریتانیا رئیس یکی از دوائر درهندوستان بوده
است میگوید : « در غالب موارد حمله و هجوم از طرف اروپائیا در کباره
هندیها مجرا بوده و غالباً تقایج و خیمی در برداشته است در چنین محاکمات
که بکنفر انگلیسی یک انگلیسی دیگری را محاکمه میکند جنبه عدالت و انصاف
مراعات نمیکرد و اعمال نظر جای دادرسی را میگیرد . « پاندیت مونپالال
نهر و که مدت چهل سال در هندوستان بشغل قضاوت اشتغال داشته می گوید
در مدت این یکصد و پنجاه سال مجازاتهایی که برتکبین قتل و جنایت نطق
میگردد به بیخود در باره افراد انگلیسی اعمال شده و هیچ انگلیسی محکوم
بارتکاب قتل نگردید است همیشه قضات مرگ هندوها را در موارد خاصه
با انگلیسی بهوادت نامعلوم منسوب داشته اند . هوانها کاندی که در حیاط
اجتماعی از لحاظ حقیقت شناسی و حریم ضمیر بی بدیل است میگوید . در

نود و نه در صد محاکمات بین افراد هندی و انگلیسی در محاکم قضائی دولت بریتانیا عدالت و انصاف مجری نمیشود. در آنچه که گفتیم راه انگریز را نیمودند. هر یک از افراد هندی که در مدت عمر یکبار سروکارش با این محاکم بیفتد باین حقیقت مسلم پی میبرد، موفقیکه مار کیزر بیون و والی هندوستان لایحه‌ای تهیه نمود که از هر گونه اعمال نظر و طرفداری نژادی و قومی در محاکم باید جلوگیری شود و وطنانش معاشرت با او را تحریم کردند.

راج (بعناظرت بریتانیا از هندوستان) در اینجا مجبوریم در کاری را اقلا در زیر برده اعتدال مستور داریم. منظور بریتانیا از دعوی مذکور این است که گشتی جنگی آن در بنادر هندوستان انگر انداخته و توپهای مسلسل آن بر فراز فلاح هند نصب شده و طیاره‌های بپ انداز آن در هر نقطه هندوستان حاضر السلاح بوده و حاضرند هر دقیقه که هندوستان از روی تحقیقت واقع ظمیان کند هزارها مرد و زن و طفل را بدون رحم و شفقت طعمه آتش بیداد نمایند. عرض میکنیم اگر روزی دوره حکمداری بریتانیا در هندوستان پایان رسد دوات قهار دیگری آن مملکت را در تحت استیلاء خود می آورد: این مسئله برای هندوستان چه تفاوت خواهد داشت؟

یکی از صحیح ترین و با حقیقت ترین دعاوی در این میانه اینست که انگلستان اصول دموکراسی و آزادی را یاد داده بنیاد آنرا بسا علوم مختلفه عصری مستحکم نموده است. هر فرد هندی از اعتراف باین حقیقت تلخ ناگزیر است که قبل از ۱۸۵۷ هندوستان تنها با یک طرز سادگت مطلق آشنا بود و امروز امنیت و آرامش بیش از موفه حکمداری بهترین سلاطین هفول در هندوستان برقرار است. معلم اسیرل دموکراسی را بقدری خوب بشاگرد خود یاد داده است که امروز از پیشرفت های سریع وی دچار وحشت و اضطراب گردید و سده ها نر انگلیسی میخواهد برای جلوگیری از نتایج و ثمرات نظمی که گاشته شده باهالی هندوستان بقولانند که اصول دموکراسی در تمام دنیا فقط مناسب حال دول اروپائی است. گوئی انگلستان فراموش کرده است که در همان موقع که زنجیر اسارت را از گردن خود برداشت و اساس حکومت مطلقه را سرنگون نمود عده معدودی از اهالی آن مملکت دارای خط و سواد بودند. همانطور که چندی بما تذکر می دهد خط و سواد با هوش و ذکاوت و فریبه تفاوت قاضی دارد: انگر

که بزرگترین و عالی‌مقام ترین حکمداران هندوستان بود از خط و سواد بهره ای نداشت

قسمت اعظم اشخاصی که بصیرت تامه در اوضاع و احوال این ملت دارند اعتراف مینمایند که توده ملت هند از لحاظ هوش ، قریحه ، ادب ، صاحب طبعی ، و انتظام دوستی در ردیف ملل درجه اول دنیا قرار دارد

لورد دورلی مونیکه از روساه کشوری هندوستان بعت مینماید آنها راه از هر لحاظ با بهترین و متین ترین اشخاصی که در (هواپت هال) سر میراند و مقایسه مینماید . در سال ۱۹۲۷ (اول و بهترین) معاون وزارت هندوستان بدون تردید و تطل اظهار داشت که پیشوایان سر زمین هندوستان خواه از لحاظ معرفت و ادب ، خواه از لحاظ تربیت فکری از هیچیک از مشاهیر رجال سایر ممالک کمتر نمیباشند . و دکتر و ... روزی مورد هنگامی که اعضاء و نمایندگان مجلس مهورتان انگلیس را با اعضاء مجلس مقننه د جامه ملی هندوستان مقایسه میکنند اعتراف می نماید که در رو به رفت انگلیسها نسبت با افراد هندی که با آنها در يك طرازند از هر جهت متاخر میباشد . در سال ۱۹۲۷ ح . پ . اسپندر سرد میر روزنامه وست مینستر چنین گفت : در هیچیک از ممالک مفرق زمین بقدر هندوستان اشخاص مطلع و بصیر و صاحب قریحه و فکر در هر يك از شعبات زندگی یافت نمی شود . و سر میچائیل سادلر رئیس کمسیون اد لیور میته کلکه در سال ۱۹۱۹ اظهار نمود . در خصوص قوه فکریه باید اقرار کرد که در هندوستان متفکرینی وجود دارند که در ردیف متفکر ترین دانشمندان ما قرار دارند ، در خصایص اخلاقی و روحی مشارالیه جامعه هندی را ما فوق جامعه برطانیا قرار داد . راپورت سیمون چنین تذکر میدهد : ما در چندین جلسه شورای ایالتی حضور بهر رسانیده و الا وفر و منات و پشت کار و جدیت اعضاء آن متأثر شده ایم . و رومن رولاند می گوید من نه در اروپا و نه امریکا ، يك شاعر ، يك متفکر ، يك زعيم و پیشوایی را ندیده ام که با يك شاعر ، يك متفکر ، يك زعيم و پیشوای هندی مقابل با افلا مقایسه باشد . معاصرین و اشخاصی که از هندوستان گذر می کنند از قدرت فکری و اخلاقی نماینده پست ترین طبقات در اداره امور مدارس چهار بعت و حیرت میگردند . قوت و امید ، هوش و قریحه و انتظام

مقامی خستگی نا پذیر پیشوایان هندی در نهضت ملی اخیر بهترین دلیلی است
بر اینکه بقدر کفایت امتیاض صاحب عزم و با فکر در آن مملکت وجود دارند
که بتواند شالوده يك دولت مستقل و مقتدری را طرح ریزی کند. گذشته
از این: باید قبول کرد که خود مختاری آمیخته با هرج و مرج از این
اسارت بیشرافانه منظم که روح و غرور و اخلاق ملی را میگذرد و قوه و
قدرت استقلال را برای همیشه از هندوستان سلب می نماید بدتر و مضر
تر خواهد بود

یکی از بدبختی های هندوستان اینست که مصالح تجار و سرمایه
داران بریتانیا اسارت آن را الزام می کند. ولی هندوستان خودش موجود و
عامل این الزام بود و این وضعیت را خلق نکرده است. از طرف دیگر
باید تزلزل مقام و موقعیت يك دزد و غارتگر را دلیل برائت او از ارتکاب
جنایتی که مرتکب می شود قرار دهیم. اگر وضع يك كمرک سنگین واردات
هندوستان از انگلستان توسط يك دولت مستقل و خود مختار اطه به تجارت
و صنعت مردمان کارگر انگلستان میزند انگلیسی های مستقل هم می توانند در
مقابل با وضع كمرک واردات از هندوستان اطه ای بکارگران این مملکت
وارد کنند. چندی و همچنین تمام زعماء و پیشوایان هندوستان متمهه شده
اند که اگر بریتانیا از روی رضا و رغبت به هندوستان خود مختاری اعطا
کند به تمام مشروطیت آن در هندوستان بهیچوجه حلی وارد نخواهد شد.
ولی کارگران انگلستان نباید فریب اقوال کار فرمایان خود را خورده و
نصیر کنند اسارت هندوستان به منفعت آنها تمام شده. این ادعائی باطل
و فریبنده. کارگران انگلستان بهیچوجه شرکتی در این غارتگری ها نداشته
و سهمیه ای از غنائم نبرده اند. آنها در همان درجه فقر و مسکنت که
اجداد آنها در قدیم بنی در آن موقعی که کارگر انگلیسی محصولی را
که با عرق جبین بدست می آورد به هندوستان آزاد می فروخت بودند هنوز
هم باقی هستند و مانند کارگران تمام ممالکی که دارای مستعمره و مستعمره
نیستند از لذایف و نعمای زندگی محرومند. چه کسی میتواند تردید کند
که يك هندوستان آزاد و خود مختار واردات خود را از انگلستان دو مقابل
واردات هندوستانی که در غرقاب فقر و زندان اسارت و غرق و مقید است
نخواهد بود؟ شاید تنها وسیله ترقی تجارت و انحصار منطقه مغرب ترقی و

تعالی مشرق‌زمین است .

عالمی که دارای شعائر ملی عمومی و از إعطای مشخصات اخلاقی واجد وحدت می باشد می تواند عدم انتظامات سیاسی را ترتیب و انتظام تبدیل نماید . آنچه که قصایا و مسائل را پیچیده و غیر قابل حل میکند همانا اسارت هندوستان است . به بها همان سبب که ملل و مناسخ و هر قدر رو تنگ‌دل و تری رود سبب می‌آید برای آنها بیشتر محسوس و غیر قابل تحمل می شود و برای این امر این امر بطوری قدرت بر ما و طاقول را داشته باشد محسوس است مصالح هنگفتی هر ساله در مصری فتون و عربیه و غیره بر ما باد بلکه برای ملیح و پرویا می‌باشد چه مدارجات هنگفتی را که متحمل می‌شود و مگر کند در همین مصر حاضر رای انگلیز انگار عمومی امریکا سبب هندوستان مطوف بشود و اوضاع و احوال اهالی هندوستان در تاریکی بهم رسد چه مصالح هنگفتی به‌وسیله تملیحه در امریکا میرسد و برای نگاهداشتن هندوستان با راضی در تحت لوای امپراطوری بریتانیا يك عربیه فوق العاده که سبب وضع مالدات های سبب در انگلستان میشود لازم است . امریکا در محسوس است رفات انگلیس و توسعه بحره خود پرتاحته مردم را در برابر مالیاتهای کمر شکن مورد کند .

اسارت هندوستان همان طور که حاك عالمگیر گذشته را بحود آورد مصر و سببهای بدتر و خطرناك تری میشود . همه گش می‌داند که دخول دولت بریتانیا در حاك گذشته برای امدادی بود که در تاسیس راه آهن من ران و حداد عمل آمد .

هر مورخ صیری می‌داند که مهم‌ترین عاملی که انگلستان را وادار نمود با بحر در مقابل قدرت فرانسیه رعلن پایتوبی بچسبند همان ترسی بود که این دولت از پایتوبی داشت و پیوسته در هراس بود می‌باید و بتارالیه از راه مصر بطرف هندوستان همچو آن آورد . این حقیقت بر همه گش می‌باید است که اتحاد بریتانیا با ترکیه در جنگهای کریمه و اوپو بر من بود که سبب قایم او فتوحات روسیه داشت و وحشت داشت که سبب رونقیه فاتح از نظر قایم ران و افغانستان بنگال خود را در کریمان هندوستان فرستاد .

کارگران انگلستان باید بدانند که هیچ‌کس سرزنشها و سوء ظن‌ها باعث ائتلاف ملیونها از آنها در میدان جنگ گذشته بود باید بدانند که نتیجه این فداکاری و جانفشانی از طرف آنها حمایت دول کوچک نبود بلکه ائتلاف آنها منجر به سارت ملل بزرگ گردید . کاندی می گوید : جنگ اخیر برای این بود که فئادلی که از غارت و بنمای ملل ضعیفه بدست آمده همه بعنوان تجارت دنیا تقسیم گردد معارضه در جای دیگر می گوید و بزرگترین خطری که دنیای امروز را تهدید می گذر بیشرعت و توسعه يك امپراطوری فارتگر و بی مسئولیتی است که با منعمات اسارت هندوستان موجودیت و استقلال و ترقی ملل ضعیف را بخطر می اندازد . اگر حقیقت امر این باشد ما میتوانیم نتیجه ای جز آنچه که لاجپانزای از وضعیت هندوستان گرفت بگیریم (علاج این بد بختی و بحران عالم گیر در دست هندوستان است زیرا که این کشور سنک زاویه امپریالیزم میباشد ، وقتی که هندوستان طوق رقیب را از گردن خود بر داشته و آزاد شود ، این کاح با عظمت ظلم و ستم نیز سرنگون می گردد . معتبرترین ضامن آزادی آسیا و مهمترین عامل صلح عمومی همانا يك هندوستان آزاد و خود مختار است .)

نتیجه

بدون نظر سوء نسبت بکسی

من مجاهدات خود را برای تشریح دو نظریه متباین در باره هندوستان مبذول داشته ام ولی میدانم گاهگاهی احساسات و عواطف در قضاوت من رخنه نموده و رشته حکمت را گسسته است : مسلم است در پیشگاه بگمده بزرگی از بشریت یعنی ۳۲۵۰۰۰۰۰ نفوس که برای حریت و آزادی خود در مجاهده و کشمکش هستند ، در حضور يك ناگور ، يك کاندی يك سر جا کادیز چاندر ابوس ، يك ساروجینی نابو که در زور زنجیر و در کنج محبس برای اسارت هندوستان ناله می کند میتوان از هجوم احساسات و عواطف جلوگیری نمود بر علیه این زنجیری که زبان و مردان این مملکت را در اسارت نگاه داشته است همیشه بکروح طغیان و شورش وجود دارد . بطرف ما این در این قضیه که مربوط به حیات و ممات بگمدهس جامعه بشری است بمنزله اقرار بقتل هر گونه امید و ایده آل بود و بکسی می باشد مثل اینست

که تجارب و مته‌زده‌ت ما و در حقیقت حیات و زندگی بشر معنی و مفهوم خود را از دست داده است. حسی حقیقت‌اندازی مسا نسبت با آزادی و مساوی خود و نسبت بر مرصتهائی که انقلاب گذشته در اگال خود در سبب آزادی با داده است ما را ملزم میکند که نسبت پویشنگتن جرسن ، فرانکلن فرانکس و تام این هندوستان می‌خواهیم باقیم، ممکن است باور کنیم که در ضمن مالیات بدون تبیین نماینده‌گی عمومی یعنی برستم‌گذاری مطلق است

با وجود این درخواست استقلال کامل داده و کراسی بانعام معنی برای هندوستان شاید از طریق حزم و احتیاط دور باشد . بدبختی و مصیبت عمومی در انتظار تربیت عمومی است و مختصات حیات اقتصادی جدید استقلال ما را در خارج از دایره امکان نگهداشته است

امپراطوری بریتانیا وسیعترین تشکیلات دنیا است و احتیاط که در وسط این دنیای پر هرج و مرج انتظام و امنیت کامل در آن حکمرمائی میکند و معکوست که با طمان طریق در خشکی و دزدان دریائی رشته انتظام تجارتنی آنرا از هم بگمانند در سورنی که اجزاء و امضاء این امپراطوری وسیع از آزادی شرافتمندانه ، مهر و موی باطله وجود چنین تشکیلات وسیعی مایه خیر و برکت جهان و جهانوطن است . يك روز کاری برای این که انسان در امان باشد مجبور با تروا و گوشه گیری بود امروز امنیت عمومی فقط در سایه اشتراك مساوی ممکن الحصول است . حتی وصیت نامه سه میل وود را میتوان به‌عزیری مستند نمود و اورا از بعضی لحاظ بحق دانست که هدف آمال و نصب العین خود را در نکات ذیل دانسته است نوسه دایمه اصول و توانین انگلیسی در تمام دنیا - مسکون شدن تمام خطه افریقا - ارض مقدس - جلگه رود فرات - سراسر امریکای جنوبی توسط ساکنین انگلیسی الاصل - آخرین بهبودی دولت متحده امریکا در تحت لوای امپراطوری بریتانیا - افتتاح سیستم نماینده‌گی مستعمراتی در پارلمان امپراطوری که امضاء از هم باقی‌مانده آن را بهم متصل و مربوط میکند - و بالاخر ایجاد يك دولت مقتدر و قهارى که در آینده بکلی لفظ جنك را از قاموس حیات بشر بزدايد و بهترین طریق، انسانیت در عالم نصیم دهد .

يك حکمت و قضاوت باطنی ما را وادار میکند که آزادی هر يك از اجزایات انگلیسی زبان را در دایره حیات خود بتخلیل دولت متحده امریکا در امپراطوری بریتانیا ترجیح دهیم . ما این امپراطوری را شایسته نصیب و

نگریم میدانیم ولی آرزو مندیم که این تشکیلات از یکجمله ما آزاد و مستقل
 و صاحب حیات و حق در زندگی مرکب باشد. ما تصور می کنیم که مطمئنترین
 موقعیتی که هندوستان در این دنیای آشفته و مشوش میتواند برای خود بدست آورد
 در قلمرو امپراطوری بریتانیا یافت میشود. هندوستان برای اینکه بتواند از
 هجوم تهاجمات خارجی، یغما و تجاوز شاهزادگان گرسنه داخلی و از تهمیبات
 دینی گریبان خود را خلاص کند تا مدتها بعد از این محتاج امپراطوری بریتانیا
 است و معتقدیم که هندوستان نیز بنوبه خود حاضر است این معاضدت و استعانت
 از طرف بریتانیا را بقبول کنترل خارجی تازه سال دیگر و بااطمینان دادن
 که خود مختاری آن بهیچ وجه سرمایه و حقوق مشروع اجانب و اقلیتهای
 مذهبی و تشکیلات ایالات مستقل را باخطر مواجه نمی کند چیران نماید. شکی
 نیست که اعطای خود مختاری بطور ناگهان و مسئولیت برقرار کردن انتظام
 و ترتیب و امنیت را بعهده خود هندوستان واگذار کردن بالاخر منجر بیک
 کشمکش و هرج و مرجی شده و هندوستان را نیز بدرد معنی چین گرفتار
 نموده و دنیا را بقر و بدبختی مبتلا خواهد ساخت. خود را نباید مطلق الذمان
 بحال خود گذاشت زیرا آنچه که از دست زده برمیآید خرابی و ویرانی
 است. یک چین در بگوت و یکزمان برای دنیا گمایت می کند. باید بخاطر
 آورد که تا سال ۱۸۵۶-۱۸۵۷ کانادا، استرالیا، و زیلانده جدید قادر بدفاع
 از خود نمودند؛ ولی هیچ نمیتوان فهمید برای چه و بچه جهت هندوستان
 نمی تواند در مدت ده سال از میان طبقات شجاع و جنگجوی خود را از قبیل
 تیخ و اچپوت، پاتان، و مسلمان بکاشون قوی و نیرومندی تهیه کند؟ هندوها
 در فلاندر برای فرانسه بخوبی جنگیدند. در فلسطین برای انگلستان جاز-
 فغانی بودند و بطریق اولی بهتر می توانند برای وطن و مملکت خود که
 هندوستان است بجنگند

باین جهت گرچه خود مختاری نمی بایست بگمرنه و بطور ناگهان به هندوستان
 اعطاء شود ولی اینقدر هم نمیبایست بتاخیر افتد زیرا وقوع این مسئله همان
 قدر که برای انگلستان مفید تواند بود برای هندوستان نیز لازم است.
 خود مختاری به هندوستان عزت نفس و قوه پرورش و تکامل می دهد آنرا
 تشویق و تجهیز می کند که در صنعت، کمرسالت مالیاتها و تجارت، در
 اصلاح دینی و اخلاقی و تربیتی و طبخانی بتواند اقدامات اساسی بنماید و

يك تمدن بی نظیر و بی عدیلی بوجود آورد ، از طرف دیگر خودمختلای هندوستان برای انگلستان معنا مفید تواند بود زیرا اعطاء خود مختاری بان بمنزله نجات بگی از بزرگترین مستعمرات از خطر استقلال تامه یا تسلط اجانب است . بواسطه آنگه هندوستان اگر پیش از این مجبور باشد طرق امارت دولتی را که منقور او است بگردن بگیرد ممکن است از مرافق پندی روگردان شده و اصول لنین را اتخاذ نماید و تمام آزادی بر علیه هر چه که مربوط با اروپا و آمریکا است بر انگیزاند . سرزمین وسیع چین در آتش انقلاب مشعل است . اصول اسلامی در ترکیه ، ایران ، افغانستان دستخوش انقلاب و اصلاح واقع شده و روسیه در دروازه هندوستان فرار یافته است . امپراطوری بریتانیا اگر بخواهد پیش از این بقوه سر نیزه اتکاء کند انگلستان را فریب بار مالیاتهای کراف و جنگهای خاموش برانداز خورد خواهد کرد ولی اگر این امپراطوری بروی بنیان آزادی مللی که عضویت آنرا دارند مستحکم گردد از هر دوره و زمانی مقتدر تر تواند بود . ممکن است امروز با جبر و فشار انقلاب را جلوگیری کرد و ارکان آنرا متزلزل نمود ولی فردا عجا با وضعی شدیدتر روی خواهد نمود . علل و موجباتی که هندوستان را باقیات سوق میدهد از علل و موجبات انقلاب خونین ایرلند که دست نرسید انگلستان را از سر آن کوتاه نمود بسی دردناکتر و هول انگیز تر است . تا وقتی که این عوامل وجود دارند انقلاب نیز ادامه خواهد داشت و برای انگلستان نیز توقیف وجبی ۴۲۰۰۰۰۰۰۰ نفوس مستتم خواهد بود . باید بریتانیا بیاد بیاورد که کامپ بل با نرمان نقطه بوسیله اعطاء آزادی توانست ادرقیای جنوبی را در عضویت آن امپراطوری نگاهدارد

باید دید که آیا هندوستان هم بخود مختاری قانع خواهد بود ؟ باوجود تمام حوادث دردناک گذشته و تمام درخواستهای که از طرف جامت هند شده و می شود باز بدون زحمت و سر درد میتوان کاندی را راضی کرد که مجدداً نظریه قدیم خود را در باره هندوستان اتخاذ کند . مشارالیه چند سال قبل نظریه خوبی را در این زمینه اینطور شرح داد :
• ایجاد يك رابطه حقیقی و مقابلی بین ملت هند و ملت انگلیس مستلزم تجزیه کامل هندوستان از امپراطوری بریتانیا نمی باشد .

موقفیت فعلی می جالب دقت است زیرا این موقفیت، جهادیات متمادی
حده بن فرن را برای آرمایش مسیحیت و یقین باعملی بودن اصول آن بموقف
عمل می گذارد. یکی از مصلحن امریکائی میگوید شاید بتوان گفت برای
اولین دفعه در تاریخ حیات مال ملتی پیدا شده است که بدون استعانت از شدت
و اجبار برای حصول آمال دور دراز ملی خود کوشیده و در این راه متحمل
انواع سختها و دریاختها شده، که میتواند بگوید که این طریقه پیش از
ان طریقه که ما در غرب راجع بمسیحیت داریم، تمام مصلح نزدیک نیست؟
حیاتی غرب است که يك ملت (کار و عمل) این طور است باصول (عدم
آزار ذیروح) و محبت برادرانه نسبت بپشربث علاقمند باشد، اگر هندوستان
در این معاهده موفقیت حاصل کند ریخته مسیحیت (نام خود ما تعالیم اخلاق
خود مسیح است) در تمام دنیا محکم شده و سرسبز و برومند خواهد گردید
صلح و سلامتی و ادب و درجه خواهد رسید که تاکنون نظیر نداشته است
دورهٔ دینی و منتهی دینی در دنیائی که ما در آن زندگی می کنیم بیابان
خواهد رسید و همان طور که خود چندی اظهار داشته است: «اگر نهدت
هندوستان با اساس عدم اعمال شدت منتهی بموقفیت، گردد نظام وطن پرستی
و حتی خود حیات و زندگی یکی مفهوم ناز و عالی تری بخود خواهد گرفت
بلی در آن صورت زندگی برای ما گرامی تر خواهد بود.

راجع سبتر مالدو نالد: موقفیت فعلی فرصتی باو می دهد که بسیاری
از رجال بزرگ پیش از یکمرتبه در تمام عمر با آن مواجه نمی شوند. چه
فرصت مساعد و بخت ساز چاری است که يك آزاده مرد بتواند آنچه را
که موجب بهبودی و نجات دنیا است بگوید ولو او را به پرتگاه نوحی سوق
دهد؟ آیا مالدو نالد عهد و پیمان خود را بخاطر آورده و در صورتی هم
که بضرر خودش تمام عهد آنها بموقع اجراء خواهد گذشت؟
دیر با رود آثار الهی با مخالفتها محصور شده و شکست خواهد خورد
در این صورت چه بهتر از این که برای رهایی شرافت و نجات در حق
این ملت مطوم دچار شکست گردد؟ شاید اگر در این موقع نقش خود
مستاری هندوستان را بکشد انگلستان را از مواجه شدن با خطری که آزادی
هندوستان را برایش مهیا خواهد کرد نجات داده و از سقوط آن در يك
ورطه عمیق جلوگیری خواهد نمود چنانچه هندوستان را نجات خواهد داد و

آزادی دوستی و فداکاری انگلیسی را بموقع آزمایش و سنجش خواهد گذاشت . برای انگلستان این موقع يك فرصت مساعدي است که مجدداً میتواند همان انگلستان محبوب و آزادی خواه قدیم بشود!

راجم بامریکا ، رسماً کاری از دست آن بر نماید : محبوب است انگلستان را آزاد بگرداند تا بتهائی بامسائلی که مربوط بحیات و بقای امپراطوری آن می باشد مواجه گردد . ولی ما از لحاظ فردی و خصوصی در ابراز احساسات و صادق بودن نسبت باصول ملیت خود که عبارتست از آزادی و مختاریم و میتوانیم نسبت بهرموجودی که برای حصول استقلال در کشمکش و جاهدت است اظهار دلسوزی کنیم . وبسندکای که ادبیات را وسیله جمع مال و ثروت و خود فروشی قرار نداده اند مسئولیت مهم و وجدانی بردوش دارند و ناموقی که کجایت حقیقی هندوستان را در نظر جهانیان روشن نسازند بار این مسئولیت ازعهده آنها ساقط نشده . مبلغین حقیقی که از مسیح برای دنیای درد مند کنونی پیامی دارند بدون احساس ضعف و خستگی فریاد خود را برای دفاع از این کشور خمدیده بلند کرده و آتندر رده و ناله خواهند نمود که صدای نضرع آنها در ماوراء اقیانوس ها مسموع شود . بگذارد اینها حقایق را روشن کنند و در میان هموطنان خود منتشر سازند تا این که هیچیک از افراد امریکائی در موقعی که خمس جامعه بشری در زیر زنجیر اسارت مینالد در خواب نوشینی که ناشی از غفلت و جهالت است باقی نماند .

اخیراً از کاندی سوال شد : پیام تو برای ملت امریکا چیست ؟
مشار الیه با ادب و وقار جواب داد : من دوست دارم که ملت امریکامجاهدات هندوستان را مورد مطالعه قرار دهد تمام نکات و حقایق مربوط بازرا در باید و اصولی را که برای انجام مقاصد خود در پیش گرفته از روی حقیقت و واقع تشخیص دهد .

لاچپاترای مؤسس اریاسوماج کتاب مشهور خود د هندوستان نامیم
را که در موقع کشمکش و نهضت آرام هند بواسطه محبوس شدن آن را نامیم گذاشت بهندوستان اهداء نموده و در پشت این چنین نوشت :

- با عرض حقگذاری و شکر مست بان عده بشمار زمان و مردان
- امریکائی که خود را وقف آزادی بشریت نموده و اختلاف رنگ و پوست و
- نژاد را باعث رجمان و امتیاز نمی داند و بیرو دینی مسأله که بر وی نیان
- محبت انسانیت و عداوت استوار است ، مل ستم دیده ، دنیا و تیره بختایی که
- در زیر زنجیر بردگی مفیدند ، انظر استرحام این عده مینگرند و امیدتیا
- به صالح عمومی در وجو این عده تمرکز یافته
- بیستی از این چه می نواستیم بگوئیم ؟ چگونه ما میتوانیم این کلمات را
- بفوانیم بدون اینکه بهندوستان بھماییم که ، بیچارگی آن بی پرده و مصمم به
- تسلی و دلجوئی آن هستیم ؟

التھی

سایر ترجمه‌های مترجم

چگونه گامیاب میشوید

بقام اوریزان اسوت ماردن

طبع و منتشر شده

ژولیوس سزار

تصنیف شکسپیر شاعر شهیر انگلیسی

تحت طبع است

حیات سعی و عمل

بهر سموئیل اسمایاز نویسنده انگلیسی

شده و عنقریب طبع خواهد شد